مطالعات محیطی هفت حصار شماره دوازدهم/ سال سوم/ تابستان ۱۳۹۴
صفحات ۳۶-۲۷

تبیین الگوی آموزش تا عمل در نظام آموزش معماری ایران

سیدسهیل شریفیان*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۰/۲۲
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۱/۲۰

چکیده

جامعه امروز، شاهد عدم هماهنگی بین نظام آموزشی و بازار کار است، در صورتی که با ایجاد نظـام آموزشـی موفـق و برنامـه ریـزی و سیاست تعیین شده دقیق میتوان گامی موثر در جهت تربیت معماران آینده برداشـت. امـروزه،دوره هـای آکادمیـک بیشـتر تمرکـز روی بخش مباحث نظری و تئوری معماری دارد و کمتر دانشجویان را با مسائل عملی و مربوط به بازار کار حرفه ای جامعه و فن‌آوری‌هـای به روز ساختمانی آشنا می کند. در این مقاله سعی بر این بوده است تا با بررسی اهداف و مفاهیم نظام های آموزش معماری در جهـان و مقایسه آن با اهداف نظام آموزشی معماری در ایران و مشکلات موجود در آن، به دنبال راه حل برای کم کردن فاصله ایجاد شـده بـین نظام آموزشی تا بازار کار باشیم.

جامعه آماری این پژوه اساتید دانشکده های معماری تهران و دانشجویان ۲سال آخر مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته معمـاری شهر تهران می باشند که حدود ۹ هزار نفر را تشکیل می دهند. نتایج حاصل از پژوهش با اسـتفاده از نـرم افـزار SPSS تحلیـل شـده است و نتایجی در جهت رفع این مسئله دریافت شد، افراد سوال شونده مهمترین عامل شکاف بین دانشکده های معماری و بازار کـار را وجود افراد غیرحرفه ای در جامعه معماری می دانند و عاملی که باعث کاهش این شکاف می شود را قـرار دادن امکانـات پژوهشـی در دسترس دانشجویان شمرده شده است.

واژگان کلیدی

معماری، آموزش معماری، بازار کار،مشکلات آموزش

* دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه روزبهان ساری، ایران. soheilsharifian@gmail.com

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-14]
[DOR: 20.1225602.1394.3.12.5.7]

مقدمه

امروزه در مدارس معماری شکافی اساسی بین کلاس ها و کارگاه ها دیده می شود که این واقعیتی است که در مدارس معماری ما جریان داشته و بصورت دلمشغولی مکرر برنامه ریزان و منتقدان امر آموزش به خصوص در سالهای اخیر در آمده است.

به اعتقاد پاتریشتا از مشکلات این نظام آموزشی آکادمیک جدید می توان به عدم هماهنگی و جدا بودن آموخته های دانشجویان با تجربیات اشاره نمود که امروزه در بسیاری از حوزه های آموزشی شاهد این اتفاق هستیم(قدوسی،۵۲:۱۳۹۱).چنانکه در دو سه دهه اخیر به سبب تأسیس و ازدیاد دانشگاه ها و موسسات مختلف آموزش معماری و شهرسازی در کشور،کیفیت و روش تدریس و پژوهش و اصولانگاه به مقوله معماری و هنر دستخوش تغییراتی اساسی شده است.امروزه دراین نهادها به سبب محدود بودن امکانات و عدم حضور افراد نخبه در هیئت علمی، تاکید باید برتعلیم حرفه ای دانشجویان معماری باشد و نه صرفاً آموزش آنها(رضایی راد، ۱۳۸۹:۱۰). در بحث آموزش معماری در ایران اصول معماری و هویت ایرانی را باید جدی بگیریم و در حوزه دانشگاه و حوزه اجرایی شهری نیز باید لحاظ گردد. پیوند گذشته به حال و تداوم آن در آینده در کنار بهره‌گیری از دانش و فن روز و رصد فرصت‌ها و تهدیدها و مواجهه فعال و خلاق با آنها از طریق تعامل بین فرایندهای جهانی و محلی، درون‌مایه راهکارهای پیشنهادی برای معماری معاصر ایران را تشکیل می‌دهند. بنابراین با نگاه دقیق و بررسی عوامل موجود به حل مسائل پیش رو پرداخته می شود.

با توسعه رشته معماری در دانشگاه های کشور و ارتقای توان جامعه حرفه ای معماری، انتظار می رود با اندیشه های جدید و مناسب معماری روبرو گردیم، اما این امر محقق نمی شود مگر با یافتن دلایلی، برای عدم توفیق در دست یابی به مواضع مستحکم و پرورش فضایی مولد که پاسخگوی مسائل معماری ایران بوده باشیم و این امر نیازمند بررسی تحلیلی تمایلات معمار و معماری ایرانی است.

بحث دیگر در باب ارزشیابی آموزشی معماری است که رابطه نامحسوس، اما اساسی دربارۀآیندۀ یک فرد دارد، که شامل:اقسام متنوع آزمون، کنترل پیشرفت دانشجو و تعیین کمبود اطلاعات مد نظر می باشد و نیز باید دقت شود سلایق گوناگون باعث کاهش بازده کیفی ارزشیابی نشود بنابراین، اعمال یک روش و قالبِ نمره دادن در داوری باعث کاهش خطا در ارزشیابی و تصحیح توان علمی دانشجویان خواهد شد(میرریاحی، ۱۳۸۷:۴۹).

جامعه آماری در این پژوهش به دانشجویان دو سال آخر مقطع کارشناسی و دانشجویان کارشناسی ارشد و اساتید مرتبط معماری دانشگاه‌های سراسری و آزاد در شهر تهران که جمعیت آماری حدود ۹ هزار نفری دارند و به علت تجربه مستقیم و درک ملموس این گروه از موضوع پژوهش و چالش برانگیز مسائل موجود و در حال وقوع نظام آموزشی معماری که گریبان گیر ایشان است نسبت به جامعه های آماری دیگر اعتبار بیشتری خواهد داشت و به این خاطر جامعه آماری به این گروه اختصاص داده شده است.

بر این اساس رویکرد اصلی پژوهش مبتنی بر شیوه تحلیلی- توصیفی بوده است و به منظور نائل شدن به هدف، از روش های چندگانه استفاده شده است.اطلاعات و آمار پژوهش از ابزارهای کتابخانه ای داخلی و خارجی که شامل کتاب ها و مقالات و پایان نامه های مرتبط با موضوع پژوهش و نیز از نرم افزار spss در جهت تحلیل پرسش نامه های جامعه آماری و رسیدن جواب به دو سوال اساسی این پژوهش که اولین آن در مورد مهمترین عامل شکاف میان دانشکده های معماری و بازار کار جویا می شود و سوال بعدی در خصوص عامل کاهش این شکاف بین این دو مقوله است را بررسی و ارائه می دهد.

مبانی نظری

تعریف معماری: در سر فصل وزارت فرهنگ و آموزش عالی، معماری اینگونه تعریف شده است: معماری، نوعی عمل خلاق است که مقصود آن شکل دادن به فضای زیست انسانی در تمامیتش می باشد و گستره آن از جوابگویی به نیازهای انسانی در پیوند با محیط و طبیعت و بیان عواطف و اعتقادات او، طیف وسیعی را در بر می گیرد(مهدوی پور،۱۳۹۱:۲۶). توجه به معماری بر پایه تصاویر و پندارها و انتظارات درباره آینده می باشد و پیشرفت معماری به ارزیابی انتقادی و سازنده از تجربه ها و آموختن از اشتباهات یکدیگر بستگی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-14]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1394.3.12.5.7]

دارد(لنگ، ۱۳۸۳:۲۲۴).و به نوعی می توان آن را آینه اندیشه های مردمانی که آنرا خلق کرده اند دانست.به گونه ای که گفته می شود معماری برای معمار پیشین تکلیفی بود از برای خدمت به خدا و خلق خدا ولی برای معمار امروز تکلفی است برای معروفیت و خودنمایی(حجت، ۱۳۸۱: ۵۵). گرایش های معماری امروز ایران را می توان با عنایت به رویکرد معماران به بستر تاریخی و جغرافیایی، اصول و مبانی آن به ۲ دسته اصول گرا یا تجدد گرا تقسیم بندی کرد:

گونه ای را که به بستر و زمینه طبیعی و فرهنگی انسان توجه و عنایت داشته و بر پایه معارف جهانشمول انسانی و بالتبع مبانی نظری عام معماری،شرایط خاص انسانی و معماری را قابل تبیین می داند "اصول گرا"می‌نامند. گونه مقابل که از امر مذکور غفلت می ورزد و با پیروی از آرمان و مدرنیته، اکنون و حال را، امر اساسی می شمارد و به سنن زیست انسانی، تنوع فرهنگی و حیات همیشه انسان با تاریخ و جغرافیای خود بی اعتناست، "تجدد گرا" گفته می شود. گونه تجددگرا با تمایلات تجددخواهانه ای که از دوره قاجار تا کنون در ایران رؤیت شده است همراهی می کند.این گونه سعی دارد،خود را با تحولات جهان معاصر همراه دارد.(انصاری،۱۳۸۱: ۷۵)

نگاهی به تاریخ معماری: هنر می‌گوید نیاکان ایرانی ما به خلق هنری بی‌زمانپرداخته‌اند که با ابدیت پیوند داشت و به‌موجب همین پیوستگی ارزش و اعتباری جاودانه یافت.کمتر جایی از جهان و کمتر دوره‌ای از تاریخ معماری و غنای معماری ایران را دارد(مردمی، ۱۳۸۷: ۱۰۸).از زمان‌های دیرین، ساختمان‌های تاریخی،گرچه به سبکی عام تعلق داشته‌اند اما معمولا دارای حال و هوای مشخص بودند به این ترتیب می توان گفت معماری باید با ویژگی های بستر فرهنگی خویش، در تعامل قرار گیرد (شایان، ۱۰:۱۳۸۷).البته برخی نقادان همانند برنوزوی در کتاب" زبان معماری مدرن"، معماری گذشته را استبدادی و اسارت بار توصیف می کند در حالی که گیدئون نگاه بی طرفانه به تاریخ معماری تاکید دارد و تاریخ را پویا می بیند و کار معماری امروز را تکامل ایده های گذشته میپندارد (معماریان،۱۳۸۶) و آیزنمنشکل معماری امروز را عدم درک واقعیت های جدید می داند و موقعیتی که نتیجه آن باقی ماندن در شرایط کهنه و به ارث رسیده از تاریخ است. و اشاره می کند حرکت در توجه به آینده به ۳ حالت بوده است :

۱- مدرن: توجه به آینده از طریق پیش بینی آینده.

۲- پست مدرن: توجه به آینده از طریق نقد گذشته.

۳- گرایش پس از پست مدرن: توجه به آینده از طریق نقد اکنون. متاسفانه در ایران، مباحثه در زمینه آینده در معماری بسیار ضعیف بوده است. در معماری معاصر ایران هرگز مولف ظهور نکرده است و این امر موجب شده تا نظریه های معماری نیز هرگز در این دوره شکل نگیرد(گرجی مهلبانی، ۱۳۸۹:۲۲۵). توجه به آینده می تواند از طریق روش و محتوای دروس امروزی شکل بگیرد(همان،۲۳۱).

آموزش معماری

نظام آموزش معماری: آموزش معماری نیازمند بکارگیری روش‌های کارآمدی است تا درپاسخگویی به نیازهای کمی وکیفی برگرفته از توسعه اجتماعی- اقتصادی نوین کارایی خود را به نمایش بگذارند(علی‌الحسابی، ۳۲۳:۱۳۸۸). امروزه آموزش معماری به عنوان یکی از شاخص‌های ویژه آموزش به گسترش توانایی ابتکاری نیاز دارد و نیازمند تعلیم حرفه ای دانشجویان معماری است، تمایز میان تعلیم و آموزش این است که در تعلیم حرفه‌ای، داوطلبین برای یک نقش حرفه‌ای آمادگی می‌یابند اما دورهٔ آموزشی برای افزایش فهم داوطلبین طراحی شده است. بدون آن که لزوماً آنها را برای ایفای نقش خاص و ویژه آماده نماید. مورد اول، باید به طور غالب عمل‌گرایانه باشد، در حالی که دورهٔ آموزشی، در محتوا کلی‌تر و نظری است(علی‌الحسابی، ۳۲۴:۱۳۸۸).

در آموزش طراحی معماری، همچون نظام های سنتی مبتنی بر رابطه استاد و شاگردی ،آموزش و تعاملی است که باید در دوره های سامان یافته برنامه ریزی و متناسب با نیازهای زمان ارزیابی و بازبینی شوند،این بازبینی ها می توانند از طریق ارزیابی برنامه های تجربه شده و بررسی نیازهای کشور از طریق انتقال تجربه حرفه معمار به محیط آموزش انجام پذیرد(عینی فر، ۹۳:۱۳۸۷). میزان ارتباط آموزش معماری با حیطه‌های نظری و عملی از مهمترین مولفه‌های انتخاب و طبقه‌بندی روش‌های آموزشی است(علی‌الحسابی، ۱۳۸۸:۳۲۴).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-14]

[DOR: 20.1225602.1394.3.12.5.7]

اواخر دهه۱۹۶۰میلادی، زمانی پرتلاطم در تاریخ معماری معاصر جهان محسوب می شود که در نهایت به تغییراتی در سرمشق مسلط بوزاری آموزش معماری در بسیاری از مدارس معماری جهان و از جمله مدارس معماری ایران انجامید(انصاری، ۱۳۸۱: ۷۵).که در مدارس ایران میتوان اشاره به تعداد زیاد دانشجویان، کمبود امکانات آموزشی و پژوهشی، کمبود وجود اساتید مجرب در این رشته نسبت به کشورهای دیگر در این زمان و وجود دروس جانبی غیر معماری هم یکی از علت‌های پایین آمدن کیفیت آموزشی است. تاکید به پویایی سازی مدارس معماری و تشویق تعاملات دانشجویان برای ارتقای سطح آموزش معماری در مدارس معماری نقش بسزایی خواهد داشت.

آموزش سنتی: بطور کلی آموزش های سنتی بر اساس یکپارچگی وهماهنگی روش های کاربردی،شناخت از محیط و احترام به طبیعت، توجه به ارزش های معنوی و اخلاقی،نیازهای مادی و زیباشناسانه انسان عصرخود رابرطرف نموده و آرامش و شکوه را به ارمغان آورده است. (کرتیس،۱۳۸۲:۳۱۳) نقش سنتی معمار دیرزمانی است که در معرض تهدید قرار گرفته است. توسعه‌های فیزیکی بی‌رویه شهرها و جوامع معاصر و بحران موجود در شکل و کالبد شهرها و بناهای موجود در آنها، این امر را به اثبات می‌رساند (علی‌الحسابی، ۱۳۸۸:۳۲۵).یکی از مسائلی که در سیستم آموزشی سنتی رویت می شود این است که، غالب آموزگاران از تجربه عملی لازم برخوردار نبوده و اهمیت طراحی پایدار در موضع هنرگرای معماریرابه درستی درکننموده اند.تفکر معماری پایدار در کشور های در حال توسعه که ساختار مدیریتی اجرایی، اجتماعی و آموزش های همگانی ندارند با مشکلات و موانع متعدد مواجه شده است.

آموزش معماری در ایران: آموزش معماری ایران قابل تفکیک است،گرایش اول تا سال ۱۳۴۷ ادامه یافت و گرایش دوم از اواخر سال ۱۳۴۷ آغاز شده و اثرات آن تا چند دهه آموزش معماری را تحت نفوذ خود قرار داده است.(کریمی،۱۳۸۷:۱۵) بعد از انقلاب اسلامی تحول اساسی در سیستم آموزشرخ داد که فارغ التحصیلی رشته معماری در مقطع کارشناسی ارشد را الزامی کرد. سیل دانشجویان تهران وشهرستان جذب این رشته شدند و آن جایی که اغلب این شرایط را داشتند،دانشجویان در دروس تئوری نمرهای بالا می‌گرفتند ولی زمانی که نوبت به دروس تخصص طراحی معماری می رسید به سختی و حتی بدون علاقه و گاهی واقعا بی‌استعداد عمل می کردند.(وزیری، ۱۳۸۷:۳۸) در سال های اخیر رویه های عملی گوناگونی دردانشکده های معماری بوجود آمده است، شکلی از این آموزشها درس های نظری بدون ارتباط منسجم با دروس عملی در کلاس نظری تدریس می شوند و برقراری پیوند میان آنها بطور کامل به عهده دریافت های دانشجویان است.این رویه دانشکده های معماری ایران است،رویه دیگر تدریس دروس نظری درکارگاههای معماری است،این رویه در ایران تجربه نشده و در دانشکده نیوکسل استرالیا اجرا می شود،شیوه دیگر بر اساس دورس عملی ونظری به موزات یکدیگر ارائه می شوند،پیوند این۲ بخش سمینارها و کارگاه های طراحی را برقرار می سازد و در دانشگاه نیوساوت ولز استرالیا[۷] اجرا می شود.(عینی فر، ۱۳۸۷:۹۶)

مدرسه ایرانی و معماری امروز:به نظر می رسد، پایبندی شدید به حفظ سیستم آموزشی موجود در مدارس معماری اجازه انطباق با آنچه در عرصه های علم و فن آوری در حال وقوع است را نمی دهد.بیشتر مدارس مانند افرادی که در آن هستند،زنده و فعال به نظر می رسد.اما این زنده بودن باید در جهت ارتقای کیفی نظام آموزشیباشد.مدرسه ی ایرانی باید معمار بسازد به بیان دیگر مدرسه باید به جای آموزش معماری وظیفه اش تربیت معمار باشد، در این راه سه طریق: تزکیه،تعلیم و حکمت پیشنهاد می گردد. تزکیه ۲ هدف خواهد داشت: پالایش وپرورش. تعلیم بر۲محور استوار است:پیمایش،آموزش و حکمت نیز در دو راستای گزینش و آفرینش فعال می‌باشد(حجت، ۱۳۸۱: ۶۶). اکنون مدرسه ی معماری در ایران دو گونه آموزش واگرا را تجربه می کند که محصول دو برداشت مهم از کثرت‌گرائی است:

۱- آموزش بی گرایش (هرکس به سلیقه ی خودش).
۲- آموزش بس گرایش (همه کس با سلیقه روز)

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-14]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1394.3.12.5.7]

تعریف۱: محصول این شیوه معمارانی سرگردان ، طیف وسیعی از بناهای التقاطی، بی هدف و بی هویت و شهرهایی هزارچهره است که در آن هر بنایی به سلیقه ای شکل گرفته است.

تعریف۲: محصول این شیوه معمارانی مقلد و بناهایی شگفت انگیز است که با چسباندن تاریخ بر پیکر آسمان خراش معماری غرب را به نمایش می گذارند.(همان، ۵۵) از سال ۱۳۷۵ تا کنون، انواع و اقسام نهاد دانشگاهی، بعضا با پیش زمینه غیر انتفاعی توسط نخبگان تاسیس شد که هر روز بر تعدادشان افزوده می شود که نه تنها سطح آموزشی عالی را ترقی نمی دهد بلکه به ساختار اهداف و بخصوص اعتبار آن خدشه وارد کرده است.(رضایی راد، ۱۰:۱۳۸۹)

آموزش معماری در مدارس خارج از ایران: با مرور کوتاه در سامانه ی آموزشی معماری ایران و با مقابله کردن با سامانه‌ی آموزشی معماری در بعضی از کشور ها می توان به سادگی به ضعف سامانه آموزش وناقص بودن آن پی برد.بسیاری از مدارس معماری در دنیا، دانشجویان را براساس توانایی یا پتانسیل طراحی انتخاب می کنند غالبا طراحی محرک برنامه ی کامل تحصیلی است،همراه با دیگر موضوعاتی که راه هایی را فراهم می کنند(ولف، ۱۳۸۷:۱۰۴).

در ذیل به برخی از نظام های آموزشی مدارس معماری در برخی نقاط دنیا می پردازیم:

فلسفه ی آموزش معماری درایالات متحده و کانادا بر اساس علمی کاربردی بودن آن است، که دقیقا عکس این فلسفه در مدارس آموزش معماری اروپا می باشد و بیش تر تکیه بر جنبه های تئوریک معماری داشته، که این تفکر در مدرسه ی معماری بوزار[۹] فرانسه حاکم است.دانشگاه سن سیناتی در ایالت اوهایو،سیستم رایج دانشگاهی براساس کار و تحلیل قرار دارد که تا به امروز هم ادامه دار است. (نمازیان، ۱۳۸۷:۷۱).

الف) دانشگاه ییل: ۱- ایجاد محیط های انسانی برای بیان ارزش ها و هم زمینه ای برای فعالیت انسان است ۲- هدایت و راهنمایی دانشجویان از طریق بررسی طرح و تمرین هایشان و نقد های رودررو ۳- نوآوری در برنامه های آموزشی منطبق با زمان و استفاده از روش‌های جدید آموزش و تعلیم ۴- شناخت و استفاده از فناوری جدید ساختمان ۵- تجربه ی ساخت وساز واقعی زیر نظر استاد راهنما (اسرا، ۱۳۸۷:۸۹)

ب) دانشگاه اورگن: اولین مدرسه‌ی معماری در آمریکا بود که بر بیان ۲ اصل اساسی در آموزش مدرن معماری به کار رفت: ۱- ارتباط داشتن با سررشته‌های وابسته مانند نقاشی، صنایع دستی و مجسمه سازی ۲- رقابت دانشجویان در امر آموزش و فراگیری فردی تشویق می‌شد.

ج) برنامه‌ی مدرسه‌ی سوشانت هند:۱- درک و برقراری ارتباط با محیط پیرامون ۲- سکونتگاه‌های روستایی ۳- فریال طراحی در بافت‌ها ۴- معماری شهری وعوامل تاثیرگذار در شهرسازی ۵- مشخص شدن شخصیت حرفه ای دانشجویان (جباری، ۱۳۸۷:۴۸).

د) برنامه‌ی آموزش معماری دانشکده‌های سویس: سخنرانی ها و سمینارها هر دو هفته یک بار در دانشگاه برگزار می شود که تنها در زمینه معماری نیست و همچنین در زمینه های هنر ،فلسفه،علوم اجتماعی و اقتصاد است و این سخنرانی ها برای عموم آزاد است. در کنار این سخنرانی ها ،نمایشگاه کارهای دانشجویان به نمایش گذاشته می شود. در تابستان کارگاه های یک ماهه بین چند دانشگاه ایجاد می شود به این وسیله دانشجویان در این فرصت می توانند با روش های موجود سایر دانشگاه ها آشنا شوند (کریمی، ۱۳۸۷:۶۲).

هـ) برنامه‌ی مدرسه‌ی بوزار فرانسه: سنگ بنای سیستم آموزش معماری بوزار ،پروژه های طراحی بود که تقریبا در ابتدای ترم به دانشجویان داده می شد.آموزش با اسکیس شروع می شد و به صورت (شارت)تمام می شد.اساس، مفهوم کلی دانشجویان در طراحی بود. که هم اکنون آموزش معماری ما از سیستم آموزشی بوزار کماکان تبعیت می کند.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-14]
[DOR: 20.1225602.1394.3.12.5.7]

و) برنامه‌ی مدرسه‌ی باهاوس آلمان: آموزش مکتب باهاوس بر اساس عمل بود وکار واقعی با مصالح و کارگاه‌ها و در بناهای در حال ساخت صورت می گیرد(نمازیان، ۱۳۸۷:۷۲). بررسی رویکردهای نظام های آموزشی در مدارس معماری در نقاط مختلف جهان با مدارس ایران نشان از رویکرد ضعیف در حوزه عمل را می دهد.

نقدی در آموزش معماری: مراکز آموزشی در کشورهای پیشرفته غالبا متناسب با اهداف آموزش و نوع نگرش که به عهده دارند، نوع و محتوای درس را برنامه ریزی، طراحی و اجرا می کنند و دانشجویان غالبا به صورت آگاهانه در دانشکده، نوع گرایش معماری خود را انتخاب می کنند و در طول تحصیل به آن نگرش آموزش می بینند.در حالی که در ایران با وجود آن که مراکز با سابقه و بزرگ آموزش معماری از یک سو به سبب نبود اهداف و برنامه های مشخص آموزش و در سوی دیگر به سبب وجود سر فصل های مشترک درس و نیز نبود نیروی انسانی کارآمد کافی و منسجم همه در عمل کمابیش به یک گونه عمل می‌کنند و تضادها غالبا جنبه‌ی سلیقه‌ای دارند(سلطان‌زاده، ۱۳۸۲).که در نهایت به ضعف آموزشی منجر می شود. تغییر شرایط سنتی برنامه آموزش طراحی و هدایت آن به سمت اصول معماری پایدار، دانشجویان فرصت خواهند داشت تا به هنگام جذب در بازار و مشارکت در برنامه‌ریزی‌های خرد یا کلان، گرایش و دیدگاههای مثبتی نسبت به منابع محیطی، انرژی و اکولوژی داشته باشند(حسینی، ۱۳۸۷:۲۱۵).فقدان دیدگاه اصیل، روشن و تعیین‌کننده استادان و صاحبان هنر و معمار کشور بالاخص در مدارس معماری باعث شده است که آموزش معماری از انسجام برخوردار نبوده و جهت و سوی شخصی نداشته باشد.(Broadbent, 1973: 344)

عوامل تاثیرگذار در معماری

ارزشیابی: ارزشیابی عبارت است از: بررسی مبتنی از مقایسه دقیق داده های عینی بر اساس شاخص های عینی که در تمام مراحل داوری اصول اخلاقی باید رعایت شود. بی تردید ارزشیابی آموزشی، حلقه ی مهم و تعیین کننده در فرایند آموزش است و با توجه به نقش محوری دروس طراحی در آموزش معماری اهمیت و حساسیت داوری طرح های دانشجویان در رشته ی معماری انکارناپذیر است به دلیل وجود مقوله خلاقیت طراحی معماری، ارزشیابی دقیق و متد درست و خالی از شبهه طرح های معماری، از پیچیدگی های زیادی برخوردار است.جانکیدز در کتاب مرجع تحقیق آموزشی در ارتباط با ارزشیابی می نویسد:عمل ارزشیابی عبارت است از نوعی وزن دادن به ارزش یا مفید بودن چیزی.

روش های ارزشیابی و ویژگی های ادراک دانشجویان یا باز خورد های آنان از میزان دقت و عدالت در نمره دادن و داوری عملکردها از عوامل موثر در روابط انسانی مورد نظر است، که لازم است در تعریف شاخص های عملکردی لحاظ شود.(محمدی بلبان آباد، ۱۳۸۸:۱۱۸) پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان را می توان بهترین روش ارزیابی معلم دانست. ارزشیابی باید یک بخش جدایی‌ناپذیر از فرایند یادگیری باشد و سبب نشود دانشجویان تمام تلاش خود را به جای کسب مهارت در رشته، بر گذراندن دروس متمرکز کنند. اگر در مورد ارزشیابی توان علمی دانشجویان دقت کافی مبذول نشود، ممکن است، به جای ارزشیابی واقع‌بینانه، به سمت گونه‌ای ارزشیابی جانبدارانه کشیده شود که در آن، عوامل مداخله‌گرا همیت بیشتری دارند و نتیجه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند(میرریاحی،۱۳۸۷:۴۹). معماری همانند علوم طبیعی تنها دارای قواعد، اصول معین مشخص و آشکاری نیست که همه آن را قبول داشته باشند و بتوان به سادگی اثر را نسبت به آن سنجیده و ارزشیابی کرد بلکه می توان آن را امری نسبی تلقی کرد که در آن دقت زیاد لازم است.

در آموزش معماری ایران اصلی که تقریباً نادیده گرفته می شود بحث ارزشیابی دانشجویان است که بی توجهی اساتید در این زمینه گاه می‌تواند آینده حرفه ای یک فرد را تحت تاثیر خود قرار دهد.این اصل گاه می تواند باعث انگیزه در دانشجو گردد و گاه می تواند باعث بی رغبتی و بی انگیزگی دانشجو شودکه تبعات آن به وضوح در مدارس معماری مشاهده می شود.

طراحی در معماری: لوکوربوزیه در کتاب خود با عنوان "به سوی یک معماری جدید" می‌گوید: «مسائل بزرگ فردا که نیازهای جمعی آنها را به وجود می‌آورند، به مسئله طرح، جنبه‌ای تازه می‌دهند. زندگی جدید، هم برای خانه و هم برای شهر، طرحی نو می‌طلبد و انتظاری دیگر دارد»(الکساندر/ سرج، ۱۳۷۶:۶۷) .گواک طراحی را عامل آموزش معماری،پاراکت آن را پایه معماری و نیوتن آن را قلب

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-14]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1394.3.12.5.7]

آموزش معماری می داند.(یزدانفر، ۱۳۸۳: ۱۴۶)هیچ طرح معماری بدون عنایت به یک فکر اصلی یا مفهوم اولیه نمی تواند استحکام جوهری و اجتماعی کافی را بدست آورد (دیبا، ۱۳۸۳:۸۴).طراحی قیاسی، باعث ایجاد ایده‌های خلاق در معماری می‌شود.

کارهایی چون هوش، خلاقیت، استعداد، حافظه واژگانی هستند که در مبحث آموزش طراحی معماری به صورت فراگیر مورد استفاده قرار می‌گیرند(مهدوی نژاد، ۱۳۸۴:۵۸).

به طور کلی می توان گفت در کلیه موضوعات با ۴ مرحله خلق، کشف و مقایسه و انتخاب روبرو هستیم، دو موضع خلق و کشف، در تفکر خلاق با ایجاد تنوع باعث واگرایی و گسترش موضوع می‌شوند. در مقابل آن دو موضع مقایسه و انتخاب هستند که این دو گزینه عرصه را همگراتر می‌کنند(فرهنگ، ۱۳۸۸: ۳۴۳).آموزش طراحی حرکتی گام به گام از محیط کار به کارگاه(آتلیه)دانشکده و دانشگاه را نشان می‌دهد(برایان،۱۳۸۴:۳۸۳). بیشتر لازم است به دانشجویان معماری فرصت داده شود تا نوعی خودآموزی را تجربه کنند. تصور نویسندگان بر آن است که با معماری گروهی در فضاهای آموزشی می‌توانیم به شیوه‌های کارآمدتر آموزش معماری دست یابیم.(سالوستریني، ۱۳۷۹:۵) در حال حاضر آموزش طراحی معماری، بیشتر بر مبنای سعی و خطا ویا آزمایش و بازخورد صورت می‌گیرد. برای پی بردن به ارزش تفکر بصری و قیاس بصری در آموزش طراحی معماری، همین بس که بدانیم اغلب محققان در علم‌شناختی، بر حوزه‌های بصری و درک بصری تأکید دارند. (خاکزند، ۱۳۸۸:۱۵۴)

پژوهش در معماری: نظریه پردازی در طراحی و آموزش طراحی معماری عمری نسبتا کوتاه دارد.با وجود این مطلب، مدل گونه شناختی نظریه های طراحی در معماری می تواند در زمینه های گوناگون مورد بررسی قرار گیرد،که در ارتباط با، پیوستگی علوم رفتاری در طراحی، می‌توان به نظریه های اثباتی و نظریه های محتوایی اشاره کرد.در حال حاضر طراح و معمار فارغ التحصیل از سطوح آموزشی معماری،قادر به استفاده صحیح از مدل های طراحی نیست،چنانچه افراد حرفه ای بیشتر با استفاده از نظریه های هنجاری و با تکیه بر ادراک فردی طراحی می کنند و در استفاده از نظریه های اثباتی که برخی آن را نظریه تبیین می نامند، ضعیف هستند. برای حل این مشکل مهمترین راهکار، اتخاذ روش هایی است که می توانند نگاهی عینیت محور به معماری داشته باشند. متاسفانه گسترش اطلاعات و تکنولوژی، طرح را به وابستگی بیشتر به راه حل های از پیش تعیین شده و دست یابی راحت به اطلاعات بدون کاوش علمی و تجربه بدون واسطه تشویق می کند(شهیدی، ۱۳۸۷: ۹۱).

عمل در معماری: در ده کتاب ویتروویوس در ارتباط با تعلیم معمار آمده است که:(دانش معمار، شامل علم و عمل است). (Vitrivius,2005:6) سیستم بازار کار معماری یک صفت خدماتی است که به شدت وابسته به بازار می باشد.بنابراین مستقیم از تغییرات انقلابی در شرف وقوع تاثیر می پذیرد.(۲۶ص۲۲۳) برای موفقیت در آینده، به شناخت بیشتری راجع به تغییر احتمالی جهان نیازمندیم(Cornish, 1996: 5-6) .اما متاسفانه در کشورمان آنچه امروز تولید می شود ساختمان سازی است نه معماری، مراد از معماری و شهر سازی خلق آگاهانه و اندیشمندانه فضا برای زندگی فرد وجامعه است.آنچه موجب نگرانی می باشد این است که معماران و متخصصان زبده نقش کم رنگی در شکل گیری کالبد و معماری شهرهای ما دارند. به عقیده وگان[۱۶]جدایی آموزش نظری از آموزش عملی که امروز شاهد آن هستیم، ارتباط ناچیز بین شکل و معنا و ناکامی در پیوند علم و عمل است.(نورانی پور، ۱۳۷۲ :۳۰۸) بهره‌برداران از بناهای معماری به گونه ای متغیر و انبوه شده‌اند و معمار به جای طراحی، برای سلیقه مشتری شناخته شده،و به ناچار باید برای نیاز های تعمیم داده شده جمعیت های انبوه طراحی نماید. در شیوه ی آموزش اغلب بحث ها در مورد آینده، در حد تئوری باقی می ماند و بجز استثناهای اندکی به آموزش واقعی منجر نمی شود. (جباری، ۱۳۸۷:۹۵)

تحلیل عملکرد دانشگاه های خارج از کشور با دانشگاه های داخلی: با توجه به سوال های پژوهش که مورد اول در مورد عوامل ایجاد شکاف بین آموزش معماری و بازار کار می باشد پرسشنامه ای که سوالات آن را به روش مصاحبه از میان اساتید و دانشجویان گردآوری شده بود و از بین مصاحبه ها اشتراک‌گیری گردیده شد بین اساتید مجرب دانشکده های معماری شهر تهران پخش گردیده شد و نتیجه آن بصورت جدول ۱ در قسمت بعدی نمایش داده شده است. سپس با بررسی رفتارها و عملکردهای

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-14]
[DOR: 20.1225602.1394.3.12.5.7]

دانشگاه‌های خارج از کشور که در قبل به آنها پرداخته شد است و بررسی دانشگاه های داخل کشور به یک سری روابط مهم و قابل توجه از بین رویکرده‌های آموزشی آنان رسیده شد که در ۶ مورد قابل اشتراک ذکر شده است.این ۶ مورد به صورت شاخص های رفتار آکادمیک و ایده‌آل‌های مورد نیاز در نظر گرفته شده است و در پرسش نامه گردآوری شده است و از دانشجویان مذکور نظر سنجی به عمل آورده شد که نتایج آن به صورت جدول ۲ گردآوری شده است.

تحلیل کمی آمار پرسشنامه

با وجود گذشت چندین دهه از استقلال آموزش معماری ایران کماکان این نظام دچار آشفتگی در برنامه ریزیاست بنابراین با توجه به پژوهش انجام شده سوالات مرتبط با آن براساس مفاهیم آموزش معماری و مشکلات پیش رو شکل گرفت و هدف تحقیق آن است که به مشکلات نظام آموزشی در ایران برسد و راه حل پیشنهادی را از نظر جامعه آماری که بررسی نماید. جامعه آماری این پژوهش اساتید و دانشجویان ۲سال آخر مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته معماری شهر تهران می باشند که حدود ۹ هزار نفر را تشکیل می دهند. در این مطالعه میدانی ۳۶۹ پرسشنامه به گونه تصادفی به ۲ گروه اساتید و دانشجویان پخش شده است، پرسشنامه دارای ۲ سوال اصلی در زمینه عوامل موجود در ایجاد فاصله آموزش معماری ایران تا عمل(بازار کار) که شامل ریز سوال‌هایی در زمینه: آموزش معماری و مدارس معماری ایران،مسابقات و همایشات، فضاهای پژوهشی، دخالت افراد غیرحرفه ای، و مباحث تکنولوژی در ایران و... و سوال دیگر در مورد راهکار برای کاهش این فاصله موجود بوده است که شامل زیر مجموعه سوالهایی همانند:تغییر سیستم تدریس نظام آموزشی،ایجاد رقابت بین دانشجویان،تشویق عوامل اجرایی برای استفاده از طرحهای برتر دانشجویان و...بوده است. سوالات به گونه ۵گزینه ای طرح گردید و سوالات قسمت اول پژوهش به اساتید توزیع گردیده است و سوالات قسمت دوم بین دانشجویان در شرایط یکسان و سر کلاس درس و بدون نیاز به ذکر نام دانشجویان توزیع نموده شده است. برای تحلیل پاسخ پرسش شوندگان از نرم افزار spss و آزمون اسپیرمن استفاده شده است و نتایج بدست آمده به شرح زیر است:

تصویر۱- نمودار مهم ترین عامل در ایجاد شکاف بین آموزش و نیاز بازار

تصویر ۲- نمودارمؤثرترین عامل در کاهش شکاف آموزش تا عمل

برای محاسبه هماهنگی درون ابزار اندازه‌گیری مقدار آلفا یکرونباخ برای مجموعه سؤالات چهارگزینه‌ای ۰.۷ محاسبه گردید که در حد قابل قبول بود و با استفاده از نتایج بدست آمده از آزمون اسپیرمن سطح معناداری آزمون(sig) بیشتر از ۰۵/ ۰ حاصل شد که همبستگی مستقیم و قوی ای بین تحصیلات و شکاف وجود دارد.با استفاده از آزمون Chi-Square به دست آمده درجه آزادی ۳۲ و sigکمتر از

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-14]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1394.3.12.5.7]

۰/۰۵ رابطه‌ی معنادار ضعیفی بین آموزش و شکاف وجود دارد.برای انتخاب مهم ترین عامل در ایجاد شکاف بین آموزش و نیاز بازار پانزده گزینه مطرح شد،که از بین این سوالات، عامل دوازدهم (دخالت و وجود افراد غیر حرفه ای مرتبط در زمینه معماری(بساز بفروش‌ها) با ۵۲.۸٪ به عنوان مهم‌ترین عامل در ایجاد شکاف بین آموزش و نیاز بازار از طرف پرسش شوندگان انتخاب شد که سوالات در نمودار ۱ گردآوری شده است.

انتخاب مؤثرترین عامل در کاهش شکاف آموزش تا عمل در حیطه معماری: برای انتخاب مؤثرترین عامل در کاهش شکاف آموزش تا عمل در حیطه معماری شش گزینه در قالب هفت سوال ۵گزینه ای مطرح شد که از بین این ها، عامل ۶ (قراردادن امکانات پژوهشی در دسترس دانشجویان معماری برای ایجاد میل و رغبت به گذراندندروس عملی) به عنوان مؤثرترین عامل در کاهش شکاف آموزش تاعمل در حیطه معماری از طرف پرسش شوندگان انتخاب شد.

نتیجه‌گیری

در حال حاضر مشکل اساسی در جامعه معماری وجود افراد غیر حرفه ای در بازار کار است که این خود باعث از دست دادن انگیزه ها و توانمندیهای افراد تحصیل کرده در این رشته تحصیلی است و در نتیجه شاهد افول معماری ایران و بی کار بودن این افراد هستیم. مشکل دیگر که گریبان گیر ما می باشد به روز نبودن اطلاعات معماری نسبت به بقیه کشورهای پیشرفته است که این مورد نیاز به بررسی در نظام آموزشی و به روز کردن دروس ارائه شده به دانشجو می باشد.گاهاً در بیشتر مدارس معماری دروسی تدریس می شوند که از عمر علمی آن کاسته شده و نیاز به، به روز شدن است.و مشکل اساسی دیگر افزایش بی رویه تعداد دانشجویان ورودی دانشگاه‌ها در تمامی مقاطع تحصیلی است و در پس آن کاهش کیفیت آموزشی، با نگاه به سیستم آموزش معماری و افراد فارغ‌التحصیل می‌توان این امر را مشاهده نمود. طبیعی است افزایش دوره و تعداد پذیرفته شدگان هر رشته تحصیلی باید بر مبنای افزایش میزان تقاضا در آن رشته در جامعه باشد. با تمرکز بر روی روش نوین در سیستم آموزشی است که می توان مسائل مربوط به بازار کار را بسیار کم نمود. ما نیازمند به روز شدن تفکرات جدید در سیستم آموزشی معماری هستیم. با یک نگاه دقیق و برنامه ریزی صحیح مسئولین می توان بسیاری از مسائل پیش رو را حل نمود.

منابع

- اسرا،ژ. (۱۳۸۷). آموزش معماری در دانشگاه یل.مجله معماری و فرهنگ، شماره ۳۴، ص۸۹.
- انصاری، ح.ر. (۱۳۸۱). معماری معاصر ایران- گرایش ها و چالش ها. مجله معماری و شهرسازی، شماره ۶۹-۶۸، ص۷۵.
- جباری، م. (۱۳۸۷). آموزش معماری در هند. مجله معماری و فرهنگ، شماره ۳۴، ص۴۸.
- حجت، ع. (۱۳۸۱). نگاهی نو به شیوه های آموزش معماری ایران. نشریه هنرهای زیبا، شماره۱۲،ص۵۵.
- حسینی، س.ب. (۱۳۸۷). آموزشمعماریپایداردرایران-موانعوگرایشها،فصل نامه فناوری و آموزش. دوره ۲، شماره۳، ص۲۱۵.
- خاکزند، م. و همکاران. (۱۳۸۸). قیاس بصری و جایگاه آن در آموزش خلاق طراحی معماری. نشریه علمی و پژوهشی فناوری آموزش، شماره۲، ص۱۵۴.
- دهخدا، ع.ا. (۱۳۷۷). لغت نامه. تهران:انتشارات دانشگاه تهران.
- دیبا، د. (۱۳۸۳). طراحی معماری-راهی میان چالش. فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۴۵، ص۸۴.
- رضایی راد، ر.(۱۳۸۹). چالش هایفراروی آموزش معماری و شهرسازی در ایران. فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۹۹، ص۱۰.
- سالوستریني،ج. (1379). شیوه‌ی آموزش پرسش‌ها بسیار و پاسخ‌ها، کم. ترجمه: احمد بدرطالعی. انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.ص۵.
- سلطان زاده، ح.(۱۳۸۲).آموزش معماری و برخی از مسائل آن در ایران. مجله معماری و فرهنگ، شماره۱۴.
- شایان، ح.ر. (۱۳۸۷). منطقه گرایی و چالشهایمعماری معاصر در آغاز هزاره سوم. فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۹۱، ص۱۰.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-14]

[DOR: 20.1225602.1394.3.12.5.7]

- شهیدی، م.ش. (۱۳۸۷). نقش پژوهش در فرآیند آموزش طراحیمعماری. نشریه هویت شهر، ص۹۱.
- عینی فر، ع. (۱۳۸۷). نگاهی به تحولات آموزش معماری در ایران. فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره۳۴، ص۹۳-۹۶.
- علی‌الحسابی، م. و همکاران. (۱۳۸۸). تجربه آموزش طراحی در مدارس معماری. نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، سالسوم، جلد۳، شماره۴، ص۳۲۶-۳۲۵.
- غفاری، ع. (۱۳۸۱).گاهی نو به آموزش عماری در ایران. مجله معماری و شهرسازی، شماره ۶۹-۶۸، ص۱۴.
- فرهنگ، م. و همکاران(۱۳۸۸). معماری گروهی- حلقه مفقوده در آموزش طراحی معماری. نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، ص۳۴۳.
- کریستفر، ا. و چرمایف، س.(۱۳۷۶). عرصه های زندگی جمعی و زندگی خصوصی.ترجمه: منوچهر مزینی. چاپ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص۶۵.
- کرتیس،و. (۱۳۸۲). معماری مدرن. ترجمه: مرتضیگودرزی.تهران: انتشارات سمت، ص۳۱۳.
- کریمی، م. (۱۳۸۷). نظام آموزشی و معماری در سوئیس. مجله معماری و فرهنگ، شماره ۳۴، سال دهم، ص۶۲-۱۵.
- گرجی مهلبانی،ی. (۱۳۸۹). آموزش معماری امروز و چالش‌های آینده. فصلنامه فناوری آموزش، شماره ۱۵، ص۲۲۵-۲۳۱.
- لاوسن، ب. (۱۳۸۴). طراحان چگونه می اندیشند. ترجمه: حمید ندیمی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص۳۸۳.
- لنگ، ج. (۱۳۸۳). آفرینش نظریه معماری. ترجمه: علیرضا عینی فر. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص۲۲۴.
- محمدی بلبان آباد، ص. و همکاران. (۱۳۸۸). بررسی نقش ارزشیابی در آموزش معماری. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، شماره ۴۱، ص۱۱۸.
- مردمی، ک. و همکاران. (۱۳۸۷). الزامات ارزش گذاری به میراث فرهنگی در آموزش معماری. نشریه بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، جلد۱۹، شماره۶، ص۱۰۸.
- معماریان، غ.ح. (۱۳۸۶). سیری در مبانی نظری معماری. چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش دانش.
- مهدوی پور، ح. (۱۳۹۱). جایگاه دانش و صناعت بومی در آموزش معماری امروز. نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۷، ص۲۶.
- مهدوی نژاد، م.ج. (۱۳۸۴).آفرینشگری و روند آموزش خلاقانه در طراحی معماری. نشریه هنرهای زیبا، شماره۲۱، ص۵۸.
- میر ریاحی، س. (۱۳۸۷). تأملی بر شیوهٔ ارزشیابی و داوری در دانشکدهٔ معماری و شهرسازی دانشگاه آدلاید استرالیا. نشریه صفه، شماره۴۷، ص۴۹.
- نمازیان، ع. (۱۳۸۷). فرایند آموزش معماری در آمریکا و کانادا. مجله معماری و فرهنگ، شماره ی ۳۴، ص۷۲-۷۱.
- نورانی پور، ر.ا. (۱۳۷۲). مفهوم کیفیت و چهار بعد کیفی آموزش عالی. مجموعه مقالات سمینار بهبود کیفیت آموزش عالی، دانشگاه شهید بهشتی،ص۳۰۸.
- وزیری، م. (۱۳۸۷).آموزش مهندسیمعماری. مجله معماری و فرهنگ، شماره ۳۴، سال دهم، ص۳۸.
- ولف،م. و همکاران. (۱۳۸۷).رویکردارزشی به ارزیابی مهارت هایطراحی در آموزش معماری. ترجمه:سپیدهمسعودی نژاد. مجله معماری و فرهنگ، شماره ۳۴، ص۱۰۲- ۱۰۴.
- یزدانفر، س.ع. (۱۳۸۳). مروری بر طرحواره ذهنی دانشجویان و رشد آن در فرآیند آموزش طراحی. نشریه صفه، شماره ۳۸.
- Broadbent، G.(1973). Design in architecture: architecture and the human sciences, London, New York, Wiley, p.344.
- Cornish, E. (1996). Introduction, in E. Cornish (ed.):Exploring Your future, Bethesda, Maryland:World Future Society, 1996, p.5-6.
- Vitrivius. (2005). Ten book on Architecture. Translated by Morris Hicky Morgan. USA: HarvardUniversity press, p.6.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-14]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1394.3.12.5.7]